

ارزیابی اثربخشی مدیریت مزارع کشاورزی بر مبنای پهنه‌بندی دشت‌ها: مورد مطالعه شهرستان پاسارگاد

آرمان بخشی جهرمی^{۱*}

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲؛ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸)

چکیده

ارزیابی و پایش مستمر، روشی برای سنجش پیشرفت پروژه و میزان دستیابی به اهداف سازمان است. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی میزان اثربخشی طرح مدیریت مزارع کشاورزی بر مبنای پهنه‌بندی دشت‌ها در دشت کمین (شهرستان پاسارگاد) صورت گرفته است. روش انجام این پژوهش توصیفی-تحلیلی، پیمایش بوده است. جامعه آماری تحقیق، بهره‌برداران دشت کمین شهرستان پاسارگاد بوده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و فرمول نمونه‌گیری کوکران، داده‌های ۱۵۰ بهره‌بردار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. داده‌های لازم در این تحقیق با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. روایی پرسشنامه از طریق چند نفر از اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت و پایایی متغیرها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۱ الی ۰/۸۱ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۵۴ درصد از بهره‌برداران، آشنایی در حد متوسط و زیاد با طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه داشته‌اند. مهم‌ترین روش‌های آشنایی بهره‌برداران با این طرح، معتمدان محلی هستند. همچنین نتایج بررسی میزان مشارکت در طرح مشخص کرد که مشارکت بهره‌برداران نسبتاً پایین و بیشترین میزان مشارکت بهره‌برداران، در مرحله اجرای طرح بوده است. بر اساس نتایج، در مجموع میزان رضایتمندی از طرح، در حد بالا ارزیابی شده است. یافته مهم پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌برداران، طرح را اثربخش ارزیابی نموده‌اند. آگاه‌سازی بهره‌برداران از وظایف و اهداف طرح، اعتمادسازی نسبت به کارشناسان، تدوین برنامه‌های توانمندسازی و به رسمیت شناختن و رعایت جایگاه بهره‌برداران در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای طرح، از پیشنهاد‌های این پژوهش می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: پهنه‌بندی (پارسل کشاورزی)، اثربخشی، ارزیابی، نظام نوین ترویج کشاورزی.

^۱ استادیار بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: armanbakhshi@yahoo.com



افزایش تقاضای جهانی غذا در مواجهه با تغییر شرایط آب و هوایی مستلزم افزایش بهره‌وری و مدیریت پایدار منابع آب و خاک است (Wolka *et al.*, 2021). با افزایش تقاضای آب، رشد جمعیت، افزایش تقاضای آب کشاورزی برای امنیت غذایی، گسترش شهرنشینی و تغییرات آب و هوایی، شاخص ناامنی آب، رو به وخامت خواهد گذاشت (Nugroho *et al.*, 2022). با توجه به اینکه یکی از موضوعات مهم و اصلی کشاورزی جهان از جمله ایران استفاده بهینه از آب و خاک برای تأمین احتیاجات جمعیت در حال رشد می‌باشد، ترویج کشاورزی نیز بر اساس رسالت خود بایستی بتواند، پاسخگوی این تغییرات باشد. نظام ترویج کشاورزی ایران نمی‌تواند به تغییر و تحولات بسیاری که در محیط اطراف آن رخ می‌دهد، بی‌تفاوت بوده و به‌سادگی از آن‌ها چشم‌پوشی کند. خدمات‌رسانی بهتر نظام ترویج کشاورزی ایران مستلزم آن است که بتوان سیاست‌های این بخش را متناسب با تهدیدها و فرصت‌های آینده تدوین کرد (Rezaei-Moghaddam & Karami, 2008). ترویج کشاورزی زمانی عملکردی اثربخش خواهد داشت که در قالب یک نظام فعالیت نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ترویج کشاورزی ایران در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و هنوز نتوانسته است از لحاظ انتخاب رهیافت و شیوه‌های ترویجی، تدوین اهداف و وظایف، سازماندهی ساختار و تشکیلات، خود را رشد دهد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۷). در دهه‌های گذشته، کوشش‌های بسیاری در جهت افزایش اثربخشی فعالیت‌های ترویج در توسعه کشاورزی و روستایی به عمل آمده است. مسئله‌ی محدودیت منابع و هدف رسیدگی به تعداد زیاد کشاورزان توجه به رهیافت‌های ترویج را بیشتر کرده است (رضایی‌مقدم و فاطمی، ۱۳۹۸).

بسیاری از کشورها در حال تغییر ساختار و یا رهیافت‌های ترویجی خود هستند تا کشاورزان به سیستم کارآمدتری دست یابند. در این راستا نظام ترویج باید بتواند منابع چندگانه اطلاع‌رسانی و آموزشی در ترویج را به شکلی توسعه دهد تا نیازهای مهارتی و دانشی کشاورزان را به شکل مناسب و کارآمد برآورده نماید. به‌عنوان مثال، ترویج خصوصی – که البته جایگزین ترویج دولتی نیست – می‌تواند به کشاورزان، فعالیت‌ها و مناطقی که مورد غفلت قرار گرفته بودند، توجه نموده و فعالیت خود را بر آن متمرکز نماید (Prabhakar, 2019). در بسیاری از کشورها این تغییرات در ترویج در سال‌های اخیر اتفاق افتاده از جمله ایران (مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۹۸)، هند (Prabhakar, 2019)، چین (Zhao, 2017)، ایتوپی (Leta *et al.*, 2017). به‌عنوان مثال در ایتوپی، سیستم ترویج مشارکتی (Participatory Extension System) از سال ۲۰۱۰ توسط وزارت کشاورزی و منابع طبیعی پذیرفته شد. در چین نظام ترویج کشاورزی تقاضامحور، در هند ترویج خصوصی و در ایران نظام نوین ترویج مدنظر قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش بخشی جهرمی (۱۳۹۸) نیز نشان داد که هر دو گروه مورد مطالعه (کارشناسان و کشاورزان) نگرش مثبت به خصوصی‌سازی ترویج داشته و پاسخگوبانی که دارای نگرش مثبت به خصوصی‌سازی دارند با استفاده و به‌کارگیری مهندسانی که به‌صورت خصوصی و در قبال دریافت پول کار می‌کنند موافق هستند.

تخریب زمین به‌عنوان یک محدودیت عمده برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده و هنوز هم یک عامل محدودکننده هست. آمار هشداردهنده درباره فاجعه تخریب اراضی در ادبیات علمی رو به توسعه است (Emerton & Snyder, 2018). محدودیت آب و شرایط نامناسب آبی از محدودیت‌های مهم دیگر در این عرصه است. ارزیابی و برنامه‌ریزی جامع منابع آب پیش‌نیاز برنامه‌ریزی برای اجرای استراتژی‌های مدیریت پایدار است (Ghorbanpour *et al.*, 2022). در راستای بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک و برنامه‌ریزی دانش‌بنیان تولید، نظام ترویج کشاورزی یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین سیستم‌های درون بخش کشاورزی هست که سرنوشت بخش کشاورزی را در بلند مدت رقم خواهد زد و چنانچه ترویج کشاورزی از نظر اهداف، ساختار و منابع، درست طراحی و سازماندهی شده باشد، در درازمدت توسعه بخش و جامعه را تضمین خواهد کرد (معروفی و رسولی‌آذر، ۱۳۹۲). نظام نوین ترویج کشاورزی، اقدامی در راستای ساختارمند کردن فعالیت‌های ترویج در کشور می‌باشد. از طرفی با توجه به مجموعه‌ای از چالش‌ها و نارسایی‌ها در کشور و ضرورت بازنگری در کارکردهای ترویج کشاورزی، در نهایت منجر به اجرای طرح نظام نوین ترویج کشاورزی شد (نوری و همکاران، ۱۴۰۱). بر اساس الگوهای توسعه، در شرایط کنونی کشور و با مدنظر قرار دادن پیشرفت‌های فنی چندساله اخیر در علوم کشاورزی، موفقیت در نیل به توسعه کشاورزی پایدار بیش از نیاز به توسعه سخت‌افزاری، نیاز به زیرساخت‌های مدیریتی و نرم‌افزاری دارد

(مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از مهم‌ترین‌های این نوع تغییرات، تحول در سیستم مدیریتی توسعه روستایی می‌باشد. چنانچه تشریح خواهد گردید مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌بندی عرصه‌های تولید یکی از ارکان سه‌گانه نظام نوین ترویج می‌باشد.

به‌واسطه تحولات سریع جهانی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی، ایجاد تحول در ترویج کشاورزی کشور، امری ضروری به نظر می‌رسد. در پی آگاهی از خلأهای موجود در ابعاد کارکردی و ارتباطی نظام ترویج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی درصدد برآمد تا در سطح کلان، فرآیندها و زیر نظام‌های خود را در حوزه ترویج واکاوی کند و بر این اساس تدوین نقشه راه مناسب به‌منظور دستیابی به اهداف توسعه و تبدیل شدن به یک سازمان کارآمد، اثرگذار و چابک از سال ۱۳۹۲ در دستور کار قرار گرفت. با احصاء مؤلفه‌های نظام جامع ترویج، در سال ۱۳۹۴ نظام کنونی ترویج کشاورزی با نام «نظام نوین ترویج کشاورزی» توسط وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ شد. این نظام بر سه رکن بنا شده است (مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۹۸، طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۸ و پورفاتی و همکاران، ۱۴۰۱):

- استقرار مدیریت شبکه دانش

- تجهیز و ساماندهی مراکز جهاد کشاورزی دهستان

- پهنه‌بندی عرصه‌های تولید.

از آنجایی که یکی از چالش‌های نظام ترویج، نبود زمینه‌های ارتباط کارآمد بین بخش‌های تحقیقات و ترویج و اثربخشی فعالیت‌های تحقیقاتی و نمود آن‌ها در عرصه کشاورزی بوده است، در طرح نظام نوین ترویج، ارتباط با بخش تحقیقات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی مورد توجه قرار گرفت (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷). شایان ذکر است که در این نظام در کنار ارکان سه‌گانه فوق، برای تقویت فرآیند مدیریت دانش، رویکردهایی مانند بهره‌گیری از ظرفیت مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی، بخش‌های اجرایی و غیردولتی و همچنین معرفی محقق معین و پژوهشگر مروج ارشد نیز مدنظر قرار گرفته که در این مختصر نمی‌گنجد. اجرای این طرح ابتدا در چهار استان آذربایجان شرقی، گلستان، کرمانشاه و اردبیل به‌صورت آزمایشی (پایلوت) در دستور کار قرار گرفت؛ اما با شروع طرح، هشت استان دیگر از جمله استان فارس نیز به‌صورت داوطلبانه به استان‌های پایلوت اضافه شدند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۸ و مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۹۸). در استان فارس نیز «دشت کمین» بعنوان اولین دشت محل اجرای این طرح انتخاب شد. دشت کمین از این نظر انتخاب گردید که طرح کاداستر قبل از اجرای نظام نوین ترویج در این دشت، شروع شده بود و اطلاعات مورد نیاز و سوابق قبلی نیز موجود بود. در طرح کاداستر، حوزه فعالیت هر مروج، اصطلاحاً «پارسل Parcel» نام‌گذاری شده بود که از نظر لغوی، به معنای یک بخش یا قسمت از کل است؛ اما پس از اجرایی شدن طرح نظام نوین ترویج، لغت «پارسل» به «پهنه» تغییر نام یافت و در حال حاضر هر دو اصطلاح مورد استفاده قرار می‌گیرد. پهنه‌بندی، بعنوان یک راهکار مدیریتی برای استفاده برنامه‌ریزی‌شده از منابع انسانی و غیرانسانی واحدهای تولیدی کشاورزی و روستایی، مدنظر قرار گرفته است. در قالب طرح تدوین الگوی مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌بندی‌های کشاورزی (مطالعه موردی دشت کمین، شهرستان پاسارگاد) تعدادی از کارشناسان به‌عنوان مدیران پهنه (کارشناسان پهنه) در محدوده مطالعاتی به‌کارگرفته می‌شوند و در یک چرخه اقدام به برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی صورت گرفته سپس در یک چرخه جدید تحقیق و عمل، طراحی و آغاز می‌شود. این طرح برگرفته از سیاست‌های کلی نظام ترویج می‌باشد، لذا پایش و ارزیابی این طرح در حین اجرا و با استفاده الگوهای علمی ضروری می‌باشد.

در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۶ نیز اجرای سراسری طرح نظام نوین ترویج به همه استان‌ها ابلاغ شد. با ابلاغ رسمی طرح، تمامی فعالیت‌های ترویجی در کشور و به‌تبع آن در استان فارس، در قالب این طرح تدوین و برنامه‌ریزی گردید. در حال حاضر، تعداد پهنه‌ها در استان فارس، ۶۰۲ مورد می‌باشد.

از سه رکنی که در بالا به آن اشاره شد، تمرکز این پژوهش بر رکن سوم «پهنه‌بندی عرصه‌های تولید» می‌باشد. پهنه‌بندی با رویکرد هدایت، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی در عرصه‌ها و به‌منظور جلوگیری از تداخل غیرضروری و نامناسب حوزه کاری کارشناسان در مسیر ارتقا کیفیت و کارایی فعالیت‌ها انجام گردید و هدف اصلی اجرای پهنه‌بندی، تعیین یک حوزه جغرافیایی مشخص برای کارشناسان و پاسخگو بودن ایشان در قبال این محدوده است؛ بنابراین

هر پهنه به یک کارشناس به‌عنوان مروج مسئول پهنه (مدیر/کارشناس پهنه) محول شده است (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۸، مقدس فریمانی و همکاران، ۱۳۹۸، کمالی مقدم و همکاران ۱۴۰۱، شاه‌پسند و همکاران، ۱۴۰۰ و قاسمی و همکاران، ۱۳۹۷).

به‌منظور آسیب‌شناسی و یا بهبود نظام ترویج کشاورزی ایران، پژوهشگرانی ساختار، رهیافت‌ها و اثربخشی فعالیت‌های ترویجی را مورد پژوهش قرار داده و تحقیقاتی نیز در زمینه ارزشیابی اثربخشی برنامه‌های توسعه روستایی انجام داده‌اند که برخی، اثرات برنامه‌ها را در سطح خرد و برخی دیگر پیامدها را در سطح کلان مورد سنجش قرار داده‌اند. در این پژوهش‌ها فاکتورهای متعدد از جمله ویژگی‌های فردی کشاورزان، شاخص‌های اقتصادی بهره‌برداران، شیوه‌های کسب دانش و اطلاعات، میزان مشارکت، تمرکز و عدم تمرکز برنامه‌ها، رضامندی، اثربخشی برنامه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. میرک‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تمایل زنان برای مشارکت در برنامه‌های ترویجی بسیار پایین است که مهم‌ترین دلایل آن در مرحله اول بعد فرهنگی و عواملی مانند آداب و رسوم سنتی، عدم رضایت همسر، اشتغال به سایر امور، تربیت فرزند و تمسخر اهالی می‌باشد. سلوکی و چیدری (۱۳۹۰) در تحقیق خود به بررسی اثربخشی فعالیت‌های آموزشی- ترویجی پرداخته‌اند، نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین متغیرهای مشاوره با کارشناسان ترویج، شرکت در کلاس‌های آموزشی- ترویجی، تماس با مروج و مشارکت اعضا در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها با اثربخشی فعالیت‌های آموزشی- ترویجی، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

در مطالعه سنجش انتظارات کشاورزان از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی: مطالعه موردی شهرستان اسلام‌آباد غرب (زرافشانی و همکاران، ۱۳۹۰)، جامعه آماری این تحقیق (با روش توصیفی - پیمایشی)، کشاورزان گندم‌کار تحت پوشش شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی شهرستان اسلام‌آباد غرب در سال زراعی ۸۶-۸۷ بود. عدم دسترسی مناسب مهندسیین ناظر به امکانات لازم، نبود قدرت اجرایی لازم برای مهندسیین ناظر، عدم حضور مستمر ناظر، تنظیم یک طرفه قرارداد، ضعف در دانش نظری و تجربه عملی ناظرین، از جمله موانع می‌باشد. هم‌چنین یافته‌های مطالعه نشان داد که به اعتقاد کشاورزان توصیه‌های ناظران چندان کاربردی نیست و این مسئله، یکی از دلایل عدم پذیرش آنان از سوی کشاورزان است؛ بنابراین، با توجه به مشکلات ذکر شده، به‌کارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی در طرح مهندسیین ناظر در قالب شرکت‌های خدماتی مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی و پایداری این طرح در دراز مدت متأثر از عوامل متعددی از جمله میزان پذیرش فعالیت شرکت‌ها از سوی کشاورزان و شناخت انتظارات آنان است. حاجی‌میررحیمی (۱۳۹۵) که سطح رضایت روستاییان دامدار از فعالیت‌های آموزشی- ترویجی را بررسی نموده، بیان می‌دارد که میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی بالاتر از حد متوسط است. بیشترین میزان رضایت از «توان فنی مروجین و کارشناسان ترویج»، «میزان دسترسی به هدف» و «محتوای آموزشی» و کمترین میزان رضایت نیز از «امکانات و شرایط بیرونی»، «میزان مشارکت روستاییان» و «اطلاع‌رسانی برنامه‌های آموزشی- ترویجی» بود.

محمدزاده و همکاران (Mohammadzadeh et al., 2017) در ارزیابی ترویج کشاورزی کشاورزمحور در ایران، ویژگی‌های سیاست‌های ترویج کشاورزی محور را در شش دسته طبقه‌بندی می‌کنند: تدوین برنامه بر اساس نیازسنجی، تعامل مناسب بین ذی‌مدخلان، تمرکززدایی و افزایش مشارکت، توانمندسازی با تمرکز بر کشاورزان خرده‌پا، برنامه تقاضامحور و سیاست‌گذاری یکپارچه. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی کشاورزان در جهت حل مسئله و مشارکت دادن آنان در برنامه‌های ترویجی در اولویت بالاتری قرار می‌گیرند و بر این اساس پیشنهاد می‌دهند که رهیافت‌های ترویج، در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها باید به ویژگی‌های مداخله‌گری ترویج کشاورزی محور توجه نمایند. عزیزی خالخیلی (۱۳۹۶) بیان می‌دارد که یکی از ابعاد مهم ارزشیابی، اثربخشی است که در آن میزان موفقیت برنامه با توجه به اهداف آن بررسی می‌شود. نتایج پژوهش این محقق نشان داد که میزان رضایت افراد شرکت‌کننده بالاتر از متوسط بوده است. بخش دیگری از نتایج نشان می‌دهد که برگزاری کلاس‌های آموزشی بر مبنای نیازسنجی نبوده است. یافته‌های احمدی و فاضل‌نیا (۱۳۹۶) در خصوص ارزشیابی اثربخشی خانه‌های ترویج روستایی نشان می‌دهد که ارتباط مروجان با کشاورزان روستاها بیش از حد متوسط بوده است. برآوردهای آماری این مطالعه، با توجه به گرایش بیشتر کارشناسان ترویج به همکاری با اهالی روستاها، فعالیت‌های مشارکتی آنان را در حد نسبتاً مثبت و مثبت نشان می‌دهد. هم‌چنین بررسی

وضعیت ارتباط میان مروجان و کشاورزان نشان می‌دهد این ارتباط، بیشتر از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی و در موارد بسیار محدودی برخی فعالیت‌های مشارکتی انجام شده است.

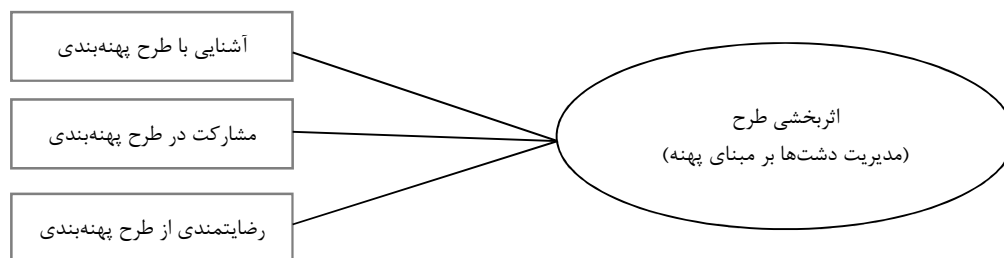
یافته‌های پژوهش علیزاده و همکاران (۱۳۹۷) در خصوص مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران نشان داد که در مورد مؤلفه‌های تقویت تعاملات ترویج و تحقیق، اصلاح سیاست‌ها، ترویج تکثرگرا، تمرکززدایی و سرمایه‌گذاری، توافق نظر بیش از ۹۰ درصدی در بین جامعه آماری وجود داشت. همچنین مشخص شد که در نظام فعلی ترویج ایران، تمرکززدایی، خصوصی‌سازی و تقویت تعاملات، بیش از سایر مؤلفه‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

نتایج پژوهش علمیرزایی و همکاران (Alimirzaei et al., 2019) که به بررسی انسجام اجرایی در نظام چندبخشی ترویج و خدمات مشاوره‌ای کشاورزی ایران پرداخته‌اند، نشان داد که شبکه اجرایی ترویج، از منظر انسجام و سطح تعاملات نهادی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد. چنان‌که تعداد اندکی از تدارک بینندگان خدمات با برخورداری از نفوذ و قدرت اثرگذاری بسیار بالا در مرکز شبکه روابط اجرایی جای گرفته‌اند. حال آنکه اکثر کنشگران، از روابط و در نتیجه قدرت اثرگذاری اندکی برخوردارند و در حاشیه ترویج قرار دارند. چنین شبکه‌ای تا حد بسیار زیادی ناپایدار و از دیدگاه‌های مختلف آسیب‌پذیر است و به نظر نمی‌رسد که بتواند کارکردهای مورد انتظار از نظام ترویج را در شرایط ناهمگون بخش کشاورزی ایران برآورده سازد. بررسی اجمالی تحقیقات مرتبط با ارزیابی پروژه‌ها نشان داد که برنامه‌های ترویجی و توسعه‌ای اجرا شده، رضایت نسبی بهره‌برداران را در پی داشته است و فعالیت‌های ترویجی و آموزشی انجام شده در سایت‌های داخل و خارج کشور، عمدتاً اثربخش بوده و گامی رو به جلو برای کشاورزان منطقه بوده است (هرچند نتایج برخی از تحقیقات نشان داده است که برخی از برنامه‌های ترویجی و توسعه‌ای نیز کارایی لازم را نداشته و موفقیت‌آمیز نبوده است)؛ بنابراین ارزیابی شامل تجزیه و تحلیل مستمر اطلاعات حاصل از پایش، توسط مدیریت پروژه به‌منظور امکان تبدیل یا تعریف مجدد سیاست‌ها و هدف‌ها در طول اجرای طرح می‌باشد. لذا ارزیابی حین اجرا طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌بندی‌های کشاورزی در دشت کمین پاسارگاد مفید بوده و موجب هدایت فعالیت‌های توسعه‌ای توسط ظرفیت‌های مدیریت و اداری محلی می‌شود و مدیران اجرایی را در انجام بهتر فعالیت‌ها در امور توانمندسازی، خدماتی و پشتیبانی در سطح منطقه یاری می‌دهد. لذا انجام ارزیابی مداوم در سطح مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان پاسارگاد جهت تهیه اطلاعاتی که سازمان جهاد کشاورزی استان بتواند بر اساس آن‌ها، سیاست‌های اصلاحی را برای نشر و ترویج این الگو فراهم کند ضروری می‌باشد.

نظر بر اینکه سازمان جهاد کشاورزی در طرح تدوین الگوی مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌های کشاورزی، بسیاری از نیروهای کارشناسی خود را به‌عنوان نیروهای صف (مدیر پهنه، کارشناس پهنه) در مزرعه به‌کار گرفته است، لذا پایش و ارزیابی طرح مذکور در حین اجرا به‌منظور درک این مهم است که آیا فعالیت‌های اجرایی طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌بندی اثربخش بوده است؟ لذا پژوهش حاضر، در جستجوی دستیابی به اهداف زیر است:

- ۱- بررسی میزان آشنایی و شیوه آشنایی بهره‌برداران با طرح تدوین الگوی مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌های کشاورزی
- ۲- بررسی میزان رضایتمندی بهره‌برداران از طرح تدوین الگوی مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌های کشاورزی
- ۳- بررسی میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح تدوین الگوی مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌های کشاورزی
- ۴- بررسی و ارزیابی نظرات بهره‌برداران نسبت به اثربخشی طرح تدوین الگوی مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌های کشاورزی

با توجه به اهداف پژوهش و بر اساس مطالعات فوق، چارچوب نظری پژوهش در نگاره ۱ تدوین شده است:



نگاره ۱- چارچوب نظری پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش، پژوهشی توصیفی-تحلیلی بوده و از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها، از نوع پیمایشی و به لحاظ روش تحلیل داده، از نوع مطالعات همبستگی است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته می‌باشد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها در سطح منطقه، داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته، کل سرزمین ایران، متشکل از شش حوضه آبخیز کلان است که هر یک خود دارای چندین زیرحوضه‌های آبخیز کوچک‌تر است. استان فارس شامل ۱۴ زیر حوضه است که این‌ها در مجموع، هزاران حوضه آبخیز کوچک را برای برنامه‌ریزی در سطح اجرایی در بر خواهد گرفت. در طرح پهنه‌بندی، کل دشت‌های کشاورزی استان به‌منظور اعمال دقیق برنامه‌های تدوین شده بر مبنای بانک جامع اطلاعات کشاورزی، هر بخش از یک دشت به واحدهایی نسبتاً هم‌پتانسیل تقسیم می‌گردند که پهنه نامیده می‌شوند و متناسب با منطقه، مساحت متفاوتی دارند. این واحدها سپس توسط منابع انسانی بنام مدیران یا کارشناسان پهنه مورد توجه و بررسی واقع شده و تمامی برنامه‌ها به‌صورت کاملاً دقیق عملیاتی گردیده و نتیجه آن به رده‌های مدیریتی بالاتر ارائه خواهد شد؛ بنابراین حوضه‌های آبخیز درجه ۱، ۲، ۳ و ۴ مبنای تقسیم دشت‌ها قرار می‌گیرند. سپس دشت‌های واقع در کوچک‌ترین حوضه آبخیز جدا شده، هر دشت زراعی به واحدهای همگنی تقسیم می‌گردند. همان‌گونه که در نقشه ۱ مشاهده می‌شود، سیوند یکی از ۱۴ حوضه آبخیز استان فارس می‌باشد که حوضه سعادت‌شهر از زیر مجموعه آن بوده و دشت کمین پاسارگاد نیز یکی از زیر حوضه‌های سعادت‌شهر می‌باشد که بر اساس شاخص‌های فوق و مراحل فنی، دشت کمین سعادت‌شهر به ۱۰ پهنه A تا J تقسیم‌بندی شده‌است. نقشه ۲ این تقسیم‌بندی همراه با موقعیت آبادی‌ها را نشان می‌دهد. مراحل فنی پهنه‌بندی شامل جزئیات زیادی است اما به اختصار شامل موارد ذیل می‌باشد:

- مرحله اول ترسیم مرز پهنه در نرم‌افزار گوگل ارث (Google Earth) با در نظر گرفتن موارد متعددی از جمله: توجه به مرز کاداستر اراضی، توجه به عوارض طبیعی، شامل بودن اراضی زراعی و باغی.
- مرحله دوم شامل تبدیل فرمت نقشه‌های تهیه شده از kmz به shp با استفاده از نرم‌افزار global mapper به‌منظور تسهیل در تبدیل فرمت فایل‌ها.
- مرحله سوم شامل ویرایش نهایی پهنه‌ها (برآورد مساحت، اصلاح مرز، تشکیل بانک اطلاعات، تعیین شماره پهنه و تهیه پهنه‌بندی شهرستان با نرم‌افزار GIS)

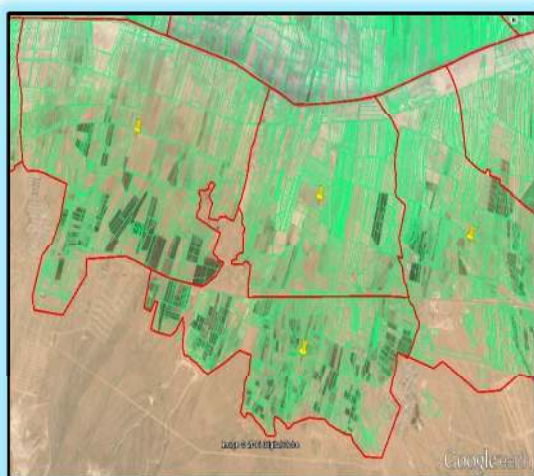


نقشه ۱- تقسیم بندی حوضه های آبخیز استان (حوضه آبخیز سیوند- سعادت‌شهر)

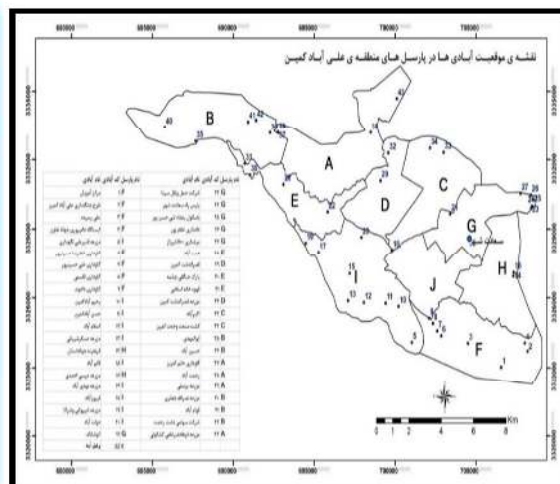
نقشه ۳، شمایی از تقسیم‌بندی یک دشت به واحدهای زراعی را در پهنه‌ها (پهنه‌ها) نشان می‌دهد که در واقع واحد برنامه‌ریزی میدانی کارشناسان پهنه می‌باشد.

در این مطالعه جامعه آماری شامل کلیه بهره‌برداران دشت کمین شهرستان پاسارگاد و علت انتخاب دشت کمین این بوده که «طرح کاداستر» قبل از اجرای نظام نوین ترویج در این دشت، شروع شده بود و اطلاعات مورد نیاز و سوابق قبلی نیز

موجود بوده و به عنوان اولین دشت، برای اجرای «نظام نوین ترویج کشاورزی» انتخاب شده بود. جامعه آماری شامل کلیه کشاورزان دشت کمین شهرستان پاسارگاد بوده‌اند. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد شاغلین دهستان کمین ۱۵۸۶ نفر (تعداد شاغلین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات، به ترتیب ۱۰۱۲، ۲۴۵ و ۳۲۹ نفر) بوده است. برای جمع‌آوری داده، از روش نمونه‌گیری تصادفی و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید.



نقشه ۳- شمایی از تقسیم‌بندی دشت کمین پاسارگاد به واحدهای زراعی



نقشه ۲- تقسیم بندی دشت کمین سعادت آباد به پهنه‌ها و موقعیت آبادی‌ها

برای به دست آوردن حجم نمونه یاد شده، در پایلوت، از یک حجم نمونه ۳۰ نفری مصاحبه همراه با تکمیل پرسشنامه به عمل آمد و انحراف معیار بر اساس میزان آشنایی با طرح، ۰/۴ محاسبه گردید. برای محاسبه نمونه از فرمول کوکران به شرح زیر استفاده شد (منصورفر، ۱۳۹۲):

$$n = \frac{N(t.s)^2}{Nd^2 + (t.s)^2}$$

n = حجم نمونه ، $N = 1012$ (حجم جامعه آماری) $t = 1/96$ ، $s = 0/4$ ، $d = 0/05$ (دقت احتمالی مطلوب)

$$N = 1012 \Rightarrow n = 198$$

کوکران برای جوامع محدود مشروط بر اینکه حجم نمونه محاسبه شده فزاینده‌تر از پنج درصد حجم جامعه باشد، فرمولی با عنوان فرمول تصحیح حجم نمونه را ارائه داده است که با استفاده از آن می‌توان حجم نمونه نهایی را در جوامع محدود محاسبه نمود. با توجه به اینکه در این پژوهش حجم جامعه مورد بررسی محدود می‌باشد و حجم نمونه محاسبه شده (۱۹۸ نفر) از پنج درصد حجم جامعه (۵۱ نفر) بزرگ‌تر است باید از فرمول «تصحیح حجم نمونه کوکران برای جامعه محدود» برای محاسبه حجم نمونه نهایی استفاده کرد. فرمول تصحیح حجم نمونه به صورت زیر می‌باشد:

$$n = \frac{n_0}{1 + \frac{(n_0 - 1)}{N}}$$

که در این فرمول هر یک از موارد به صورت زیر است:

n_0 = حجم نمونه به دست آمده به وسیله فرمول کوکران، N = حجم جامعه هدف و n = حجم نمونه اصلاح شده جدید

بر این اساس حجم نمونه نهایی، تعداد ۱۶۶ برآورد گردید و پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص، تجزیه و تحلیل داده با ۱۵۰ پرسشنامه انجام گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخت بود. روایی یا اعتبار تعیین می‌کند که آیا ابزار تهیه شده تا چه حد مفهوم خاص را اندازه می‌گیرد. روایی این اطمینان را می‌دهد که ابزار مورد نظر به تعداد کافی پرسش‌های مناسب برای اندازه‌گیری مفهوم مورد سنجش را در بردارد. روایی صوری پرسشنامه از طریق چند نفر از اساتید دانشگاه مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ و از طریق نرم‌افزار SPSS برای تعداد ۳۰ نفر اندازه‌گیری گردید که میزان ضریب آلفای متغیرها در پرسشنامه تحقیق بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۱ محاسبه گردید. لذا شاخص‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

ارزیابی اثربخشی مدیریت مزارع کشاورزی بر مبنای پهنه‌بندی دشت‌ها:..

پرسشنامه پژوهش شامل یک بخش دارای اطلاعات فردی (سن، جنسیت و تحصیلات) بود که به صورت سؤالات کوتاه پاسخ و بسته پاسخ طراحی شده بود. بخش دیگری از پرسشنامه، به سنجش سایر متغیرهای مستقل (شیوه آشنایی با طرح، مشارکت و رضایتمندی از طرح) و متغیر وابسته (اثربخشی طرح) و همچنین دو سؤال باز اختصاص داشت که تعداد سؤالات/گویه‌های هر متغیر، پایایی و شیوه سنجش آن‌ها به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول ۱- متغیرهای پژوهش، شیوه سنجش و پایایی آنها

متغیرها/ شاخص‌ها	سؤالات/ گویه‌ها	پایایی	شیوه سنجش
اطلاعات کلی و فردی	سن، جنسیت و تحصیلات	-	سؤالات بسته پاسخ یا کوتاه پاسخ
میزان آشنایی با طرح	یک سؤال	-	طیف لیکرت (۱-۳)
شیوه آشنایی با طرح	۶ گویه	۰/۷۱	طیف لیکرت (۰-۵)
مشارکت در طرح	۵ گویه	۰/۷۳	طیف لیکرت (۰-۵)
رضایتمندی از طرح	۹ گویه	۰/۸۱	طیف لیکرت (۰-۵)
اثربخشی طرح	۲۵ گویه	۰/۷۸	طیف لیکرت (۰-۵)
مشکلات طرح و پیشنهادهای و انتظارات	۲ سؤال	-	سؤال باز پاسخ

گویه‌های تشکیل دهنده متغیرهای فوق، به شرح زیر می‌باشد:

الف: گویه‌های متغیر شیوه آشنایی با طرح

- گفتگو با معتمدان
- شرکت در کلاس‌ها
- مشارکت در اجرای طرح
- گفتگو با کشاورزان
- گفتگو با کارشناسان
- جلسات توجیهی

ب: گویه‌های متغیر مشارکت در طرح

- مشارکت در اجرای طرح
- مشارکت در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری
- مشارکت در ارزشیابی طرح
- مشارکت در انتخاب طرح
- مشارکت در انتخاب کارشناس

ج: گویه‌های متغیر رضایتمندی از طرح

- رضایتمندی از توجه یکسان کارشناس پهنه به همه بهره‌برداران
- رضایتمندی از سطح آشنایی کارشناس با آداب و رسوم بهره‌برداران
- رضایتمندی از توجه کارشناس پهنه به تجربه‌ها و دانش بومی بهره‌برداران
- رضایتمندی از برگزاری کلاس آموزشی در رابطه با مشکلات بهره‌برداران
- رضایتمندی از خدمات‌رسانی بیشتر مراکز خدمات نسبت به قبل
- رضایتمندی از کاربردی بودن مطالب ارائه شده در کلاس‌های آموزشی
- رضایتمندی از حضور به موقع کارشناسان در مزارع
- رضایتمندی از تجربه و دانش کارشناس پهنه
- رضایتمندی از توجه کارشناس به مسائل و مشکلات بهره‌برداران

د: گویه‌های متغیر اثربخشی طرح: گویه‌های این متغیر در جدول ۴ درج شده‌اند.

تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و با روش‌های آمار توصیفی (درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (همبستگی و رگرسیون چند متغیره) انجام گرفت.

یافته‌ها و بحث

بر اساس یافته‌های پژوهش، بهره‌برداران مورد مطالعه ۱۳۶ مرد (۹۰/۶ درصد) و ۱۴ زن (۹/۴ درصد) بودند. میانگین سنی بهره‌برداران مورد مطالعه ۴۴ سال می‌باشد و فراوانی افراد زیر ۴۰ سال، ۴۱ تا ۶۰ سال و بالاتر از ۶۱ سال به ترتیب ۳۸ (۲۵/۳ درصد)، ۷۸ (۵۲ درصد) و ۳۴ (۲۲/۷ درصد) می‌باشد. یافته‌ها نشان‌دهنده ویژگی میان‌سال و نسبتاً جوان بودن جمعیت بهره‌برداران منطقه مورد مطالعه است. ویژگی‌های نسبی بهره‌بردارانی که در طیف نسبتاً جوان واقع گردیده‌اند، افق‌های امیدوارکننده‌ای را فرا راه برنامه‌ریزان توسعه روستایی و کشاورزی قرار می‌دهد. از نظر سطح تحصیلات، نتایج نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از بهره‌برداران مورد مطالعه تحصیلاتشان زیر دیپلم، ۲۴/۶ درصد دیپلم، ۱۱/۳ درصد فوق‌دیپلم، ۱۹/۳ درصد لیسانس و ۴ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر می‌باشد و ۲/۶ درصد نیز بدون پاسخ می‌باشد. بررسی متغیر سن و میزان تحصیلات در کنار هم تحلیل مفیدتری از جامعه مورد مطالعه را به دست می‌دهد. بهبود وضع تحصیلات در محدوده طرح زمینه را برای پذیرش تحول و تغییر در جامعه روستایی فراهم آورده و مشارکت‌پذیری در فعالیت‌های جمعی را افزایش خواهد داد. بنابراین از آن جایی که یکی از مؤلفه‌های کلیدی در توسعه پروژه‌ها که منجر به تغییر و تحول می‌شود، میزان و قدرت آگاهی گروه‌های هدف است، سطح سواد و آگاهی، عنصری تعیین‌کننده خواهد بود. مطلوبیت این متغیر در محدوده مورد مطالعه به‌عنوان یک فرصت تلقی می‌گردد.

برای سنجش نظرات بهره‌برداران در مورد طرح، ابتدا میزان آشنایی آنان با طرح مدیریت دشت‌ها بر اساس پهنه‌های کشاورزی، مورد سنجش قرار گرفت که حدود ۴۵/۳ درصد افراد اعلام داشتند که از جزئیات و ابعاد طرح آگاهی کمی دارند و ۳۳/۳ درصد متوسط و ۲۱/۳ درصد زیاد آشنایی دارند. در مجموع ۵۴/۶ درصد آشنایی متوسط به بالا دارند (جدول شماره ۲) و این آشنایی احتمالاً به دلیل مشارکت کشاورزان در مراحل مختلف طرح می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش رضایی‌مقدم و فاطمی (۱۳۹۸) که اعلام می‌دارند که از نقاط ضعف نظام نوین ترویج کشاورزی عدم شناخت اکثریت کشاورزان تحت پوشش از نظام نوین ترویج کشاورزی است، همخوانی چندانی ندارد.

جدول ۲- میزان آشنایی بهره‌برداران با طرح

میزان آشنایی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۶۸	۴۵/۳	۴۵/۳
متوسط	۵۰	۳۳/۳	۷۸/۷
زیاد	۳۲	۲۱/۳	۱۰۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰	

میزان آشنایی با طرح به‌عنوان یک فرصت محسوب می‌شود و نیاز است برنامه‌ریزان بیشتر در آگاهی بخشی کشاورزان نسبت به اهداف طرح تلاش نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بهره‌برداران مورد مطالعه با طرح مدیریت دشت‌ها بر اساس پهنه‌های کشاورزی آشنایی نسبتاً خوبی دارند. اما نتایج استخراج پاسخ‌ها از سؤال باز پرسشنامه مشخص کرد که آن‌ها در عین حال توقعاتی نیز دارند. ارائه نقطه‌نظرات پیرامون انتظارات بهره‌برداران از اجرای طرح به روشنی این ادعا را ثابت می‌نماید. مهم‌ترین توقعات و انتظارات ذینفعان از طرح را می‌توان چنین برشمرد:

- در مراحل طراحی و اجرا از بهره‌برداران نظرخواهی و از دانسته‌ها و تجربیات آنان استفاده شود (۲۳ تکرار)
- افراد با تجربه در طرح به کار گرفته شوند (۱۷ تکرار)
- بین گفتار و عملکرد مجریان طرح تناقض نباشد (۱۷ تکرار)
- برای اجرای چنین پروژه‌هایی به بهره‌برداران آموزش و آگاهی بخشی کافی داده شود (۱۵ تکرار)
- پشتیبانی لازم توسط منابع تأمین‌کننده وام و اعتبارات برای امور مشارکتی به عمل آید (۱۲ تکرار)

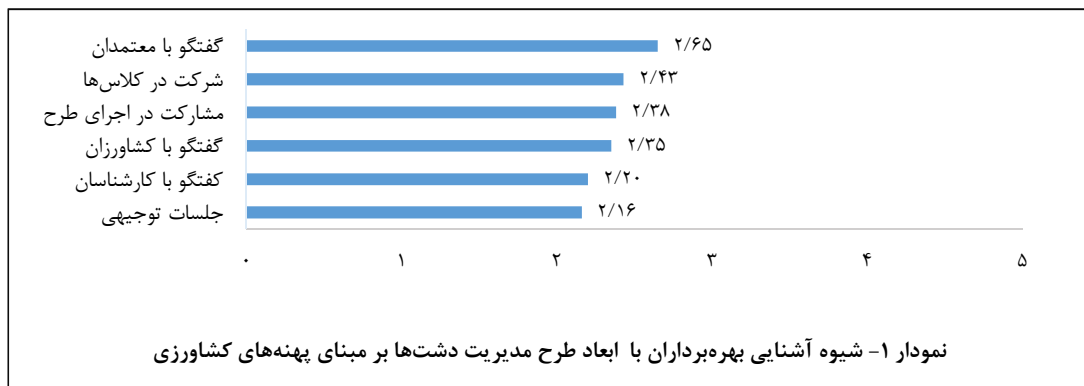
ارزیابی اثربخشی مدیریت مزارع کشاورزی بر مبنای پهنه‌بندی دشت‌ها..

- هماهنگی لازم در سازمان‌های مربوطه برای اجرای پروژه به عمل آید (۱۰ تکرار)

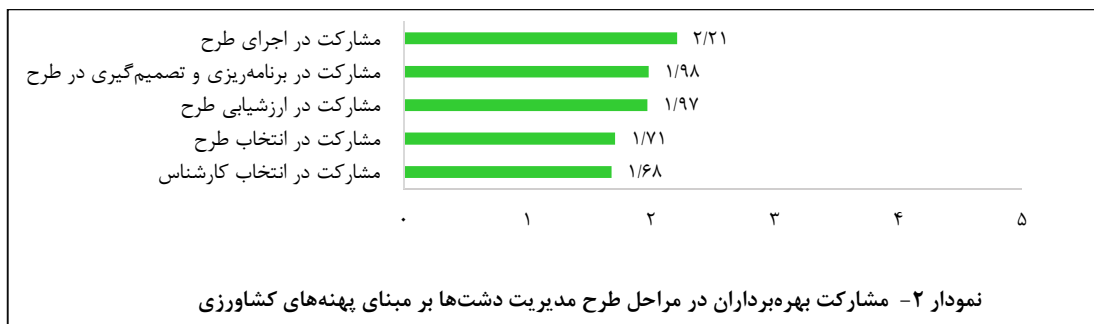
- جلب اعتماد بهره‌برداران از فواید اجرای طرح (۹ تکرار)

- کوتاه شدن دوره اجرای طرح (۴ تکرار)

شیوه آشنایی بهره‌برداران با ابعاد فرآیند طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه‌های کشاورزی در نمودار ۱ ذکر شده است. نکته قابل تأمل این است که «گفتگو با معتمدان منطقه» با میانگین ۲/۶۵ در دامنه ۵-۰ مهم‌ترین منبع کسب اطلاعات است و هرچه فعالیت به سمت دولت متمایل می‌شود (گفتگو با کارشناسان و جلسات برگزار شده) از وثوق آن برای بهره‌بردار کاسته شده است. علیرغم برگزاری جلسات توجیهی و آشنایی با طرح، افراد کمی در آن شرکت کرده و ترجیح داده‌اند که اطلاعات مورد نیاز را از معتمدینی که در جلسات شرکت کرده‌اند، دریافت دارند. بدین ترتیب به صورت غیررسمی، تأییدیه و مشروعیت عرفی معتمدین را از طریق کسب اطلاعات مورد نیاز آنان دریافت نموده‌اند. در این خصوص یافته‌های زرافشانی و همکاران (۱۳۹۰)، علیزاده و همکاران (۱۳۹۷) و بخشی جهرمی (۱۳۹۸) با نتایج این پژوهش هم‌راستا می‌باشد.



نتایج مشارکت بهره‌برداران در مراحل و اقدامات مختلف طرح در نمودار ۲ نشان می‌دهد که در کل میزان مشارکت نسبت به میانگین طیف سنجش (یعنی ۲/۵ در دامنه ۵-۰) ضعیف بوده است، اما در بین گویه‌های مشارکت، میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت اجرایی طرح در منطقه، بیشترین (میانگین ۲/۲۱) و مشارکت آنان در انتخاب کارشناس، کمترین (میانگین ۱/۶۸) بوده است. یافته‌های این پژوهش در مورد سطح پایین مشارکت با یافته‌های میرکزاده و همکاران (۱۳۸۹)، هم‌راستا می‌باشد. این در حالی است که رضایی‌مقدم و فاطمی (۱۳۹۸) مشارکت جوانان و زنان را از نقاط قوت نظام نوین ترویج کشاورزی می‌دانند.



برای گروه‌بندی میزان مشارکت بهره‌برداران در طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه، از روش «فاصله انحراف معیار از میانگین» (ISDM (Interval of Standard Deviation from the Mean)) استفاده گردید. مبنای طبقه‌بندی نیز

$\bar{x} + \delta / 2$ و $\bar{x} - \delta / 2$ می‌باشد به نحوی که میانگین‌های بزرگ‌تر از $\bar{x} + \delta / 2$ در گروه مشارکت زیاد و میانگین‌های کوچک‌تر از $\bar{x} - \delta / 2$ در گروه مشارکت کم قرار می‌گیرند. میانگین‌های بین این دو مقدار در گروه مشارکت متوسط قرار می‌گیرند که نتیجه آن در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. بر اساس یافته‌ها، حدود ۵۶/۶ درصد مشارکت کم، ۳۶/۶ درصد مشارکت متوسط و ۶/۶ درصد مشارکت زیاد داشته‌اند.

جدول ۳- میزان مشارکت بهره‌برداران در مراحل طرح

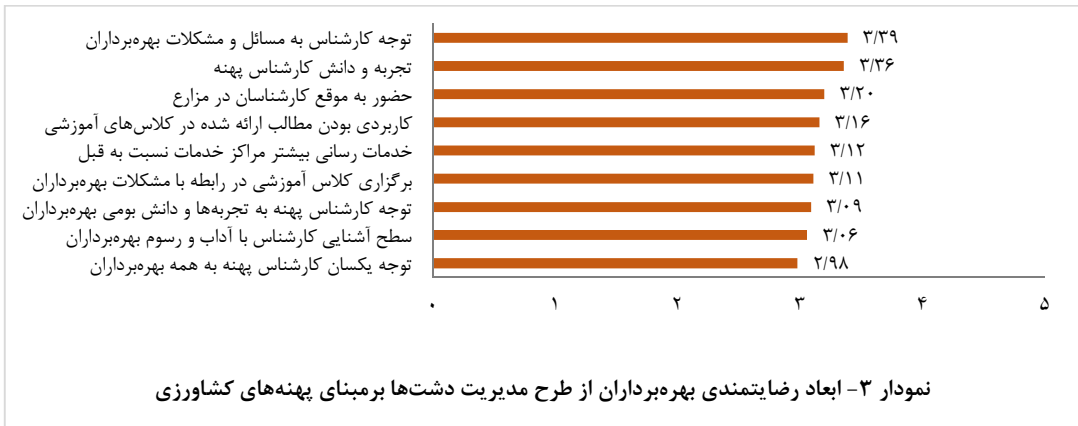
میزان مشارکت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۸۵	۵۶/۶	۵۶/۶
متوسط	۵۵	۳۶/۶	۹۳/۴
زیاد	۱۰	۶/۶	۱۰۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰	

برای سنجش میزان رضایت کشاورزان، از شاخص ۹ گویه‌ای استفاده شد. به منظور بررسی وضعیت کلی رضایتمندی بهره‌برداران از طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه، در ابتدا با استفاده از روش «فاصله انحراف معیار از میانگین»، بهره‌برداران به سه دسته، گروه‌بندی شدند (جدول ۴). یافته‌ها گویای آن است که ۱۷/۳ درصد افراد مورد مطالعه رضایت کم، ۴۵/۴ درصد رضایت متوسط و ۳۷/۳ درصد نیز رضایت زیاد دارند. در مجموع ۸۲/۷ درصد از جامعه آماری رضایت متوسط به بالا دارند.

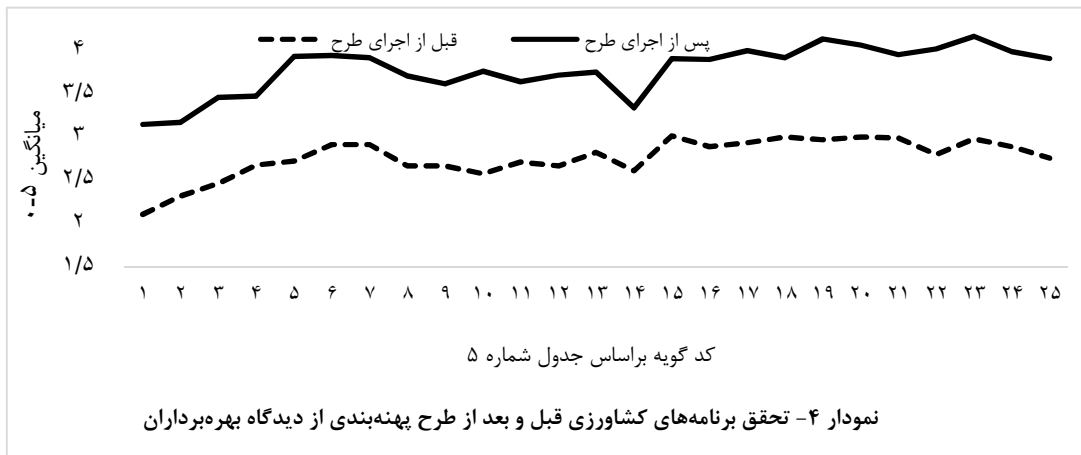
جدول ۴- میزان رضایت بهره‌برداران از طرح

میزان رضایت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۲۶	۱۷/۳	۱۷/۳
متوسط	۶۸	۴۵/۴	۶۲/۷
زیاد	۵۶	۳۷/۳	۱۰۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰	

با توجه به میانگین ابزار سنجش گویه (یعنی ۲/۵ در دامنه ۰-۵)، یافته‌های نمودار ۳ نشان می‌دهد که میزان رضایتمندی در تمامی سنجه‌های نه‌گانه رضایتمندی از طرح، بالاتر از میانگین است. بالاترین رضایتمندی در خصوص «توجه کارشناس به مسائل و مشکلات بهره‌برداران» با میانگین ۳/۳۹ و پس از آن مربوط به «تجربه و دانش کارشناس پهنه» و «حضور به موقع کارشناسان در مزارع» به ترتیب با میانگین ۳/۳۶ و ۳/۲۰ می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های حاجی‌میرحیمی (۱۳۹۵) و عزیزی و همکاران (۱۳۹۵) که سطح رضایتمندی کشاورزان از برنامه‌ها و کارشناسان پهنه را بالا ارزیابی نموده‌اند هم‌راستا و همخوانی دارد اما جعفری و همکاران (۱۳۹۹) بر اساس پژوهش خود، میزان رضایت بهره‌برداران از نظام نوین ترویج را در حد متوسط گزارش نموده‌اند. یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش میرزایی و همکاران (۱۳۸۶) که مربوط به حدود هشت سال قبل از اجرایی شدن نظام نوین ترویج است و نشان می‌دهد که حدود ۸۴ درصد از افراد مورد مطالعه از عملکرد ترویج رضایت نداشته و نظام ترویج را نیازمند بازنگری اساسی دانسته‌اند، همخوانی ندارد.



طرح مدیریت دشت‌ها بر مبنای پهنه که بخش از نظام نوین ترویج می‌باشد، بر اساس اهداف از پیش تعیین‌شده، تعیین و طراحی گردیده است. هرچند تقریباً تمامی اهداف مدنظر، از رسالت‌های وزارت جهاد کشاورزی می‌باشند و این وزارتخانه موظف به تحقق آن‌هاست، اما گاهی به دلیل متعدد برخی کم‌رنگ می‌شوند. یکی از مزایای تدوین طرح‌های جدید نیز پر رنگ نمودن برخی از این اهداف می‌باشد. بر این اساس برای سنجش اثربخشی این طرح، دیدگاه بهره‌برداران در خصوص تحقق این اهداف در قبل و بعد از اجرای طرح پهنه‌بندی مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که موفقیت در ۲۵ هدف توسعه در برنامه‌های کشاورزی در منطقه مورد مطالعه در قبل و بعد از اجرای طرح از دیدگاه بهره‌برداران چه وضعیتی داشته است. مقایسه میزان تحقق اهداف قبل و بعد از اجرای طرح در نمودار ۴ تصویر شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پس از اجرای طرح مدیریت پهنه‌بندی، در تمامی ۲۵ گویه متغیر، افزایش رخ داده است و بهره‌برداران بر اثربخشی این طرح اتفاق نظر دارند. این یافته به نتایج پژوهش سلوکی و چیدری (۱۳۹۰) همخوانی داشته و همچنین مؤید نتایج پژوهش جعفری و همکاران (۱۳۹۹) می‌باشد که اعلام نموده‌اند که پس از اجرای نظام نوین ترویج، خدمات فنی، زیربنایی، و حمایتی افزایش یافته‌است. با توجه به اینکه تعدادی از ۲۵ گویه‌های فوق مربوط به مدیریت دانش است، یافته‌های این پژوهش، با پژوهش طاهری و همکاران (۱۴۰۱)، نوری و همکاران (۱۴۰۱) و پورفاتح و همکاران (۱۴۰۱) هم‌راستا می‌باشد.



جدول ۵- نظرات بهره‌برداران در مورد موفقیت برنامه‌های کشاورزی قبل و بعد از طرح پهنه‌بندی

کد گویه	گویه‌ها	قبل		بعد		خیلی کم (درصد)		کم (درصد)		متوسط (درصد)		زیاد (درصد)		خیلی زیاد (درصد)	
		میانگین	کل	میانگین	کل	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد					
۱	مشارکت دادن کشاورزان در فعالیت‌های زیربنایی	۲/۰۴	۰/۹۱	۲/۹۷	۱/۰۴	۲۶/۶	۱۱/۳	۴۶/۶	۱۴	۱۷/۳	۴۴	۴	۵/۳	۷/۳	
۲	مشارکت دادن کشاورزان در امور تصمیم‌گیری	۲/۲۳	۰/۸۴	۲/۹۹	۰/۷۹	۴	۱۸	۴۶	۱۸	۲۸	۵۴/۶	۴	۱۸/۶	۴/۶	
۳	توسعه و بهبود صنایع دستی در منطقه	۲/۳۶	۰/۸۳	۳/۲۵	۰/۹۸	۱۳/۳	۵/۳	۴۵/۳	۱۲/۶	۳۲	۴۰	۵/۳	۳۲	۱۰	
۴	ارائه توصیه و خدمات مشاوره‌ای فنی به بهره‌برداران	۲/۵۵	۰/۸۲	۳/۲۶	۰/۹۰	۸	۳/۳	۴۱/۳	۹/۳	۳۶/۶	۳۵/۳	۹/۳	۴۰	۴/۷	
۵	حضور به موقع و مستمر کارشناسان در آموزش به بهره‌برداران	۲/۵۹	۰/۸۱	۳/۶۷	۰/۸۵	۸	۴	۳۳/۳	۶/۶	۴۷/۳	۲۸	۶	۵/۳	۱۴/۶	
۶	پاسخگویی کارشناسان مسئول طرح به مسائل کشاورزان	۲/۷۶	۰/۹۱	۳/۶۸	۰/۹۵	۹/۳	۲/۶	۳۰/۶	۶/۶	۴۵/۳	۲۹/۳	۱	۴۲/۶	۱۸/۶	
۷	تسهیل ارتباط بین کارشناسان و کشاورزان	۲/۷۶	۰/۸۱	۳/۶۶	۰/۹۱	۶/۶	۴	۳۸	۶/۶	۴۴	۳۰	۸/۶	۴۳/۳	۱۶	
۸	شناسایی و جمع‌آوری نیازهای بهره‌برداران	۲/۵۴	۰/۸۶	۳/۴۷	۰/۸۷	۳/۳	۱۳/۳	۳۴/۶	۹/۳	۴۱/۳	۳۳/۳	۱	۴۵/۳	۸/۶	
۹	برطرف کردن مهم‌ترین نیازهای بهره‌برداران	۲/۵۴	۰/۹۰	۳/۳۹	۱/۰۴	۵/۳	۱۴/۶	۳۴/۶	۱۰/۶	۴۱/۳	۳۰/۶	۶/۶	۴۳/۳	۱۰	
۱۰	جمع‌آوری آمار و اطلاعات صحیح از بهره‌برداران	۲/۴۶	۰/۸۸	۳/۵۲	۱/۰۴	۶	۱۶	۳۷/۳	۱۲	۳۶/۶	۲۵/۳	۹/۳	۴۲	۱۴/۶	
۱۱	شناسایی نوع سیستم زمین‌داران منطقه	۲/۵۸	۰/۸۹	۳/۴۱	۰/۹۷	۵/۳	۱۲	۳۶	۱۵/۳	۴۰	۲۷/۳	۶/۶	۴۳/۳	۸/۶	
۱۲	جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی	۲/۵۴	۰/۸۵	۳/۴۸	۰/۹۳	۱۳/۳	۲/۶	۳۷/۳	۱۳/۳	۳۸/۶	۲۹/۳	۱۰	۴۳/۳	۱۰/۶	

ارزیابی اثربخشی مدیریت مزارع کشاورزی بر مبنای پهنه‌بندی دشت‌ها:..

ادامه جدول ۵										گوبه‌ها	کد گوبه	قبل			بعد	
خیلی زیاد (درصد)		زیاد (درصد)		متوسط (درصد)		کم (درصد)		خیلی کم (درصد)				کل	میانگین	میانگین	میانگین	میانگین
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰							
۱۰	۲	۴۶	۱۴	۳۰	۴۲	۸	۲۸/۶	۶	۱۳/۳	حفظ و استفاده کارآمد از منابع کشاورزی	۱۳	۲/۶۸	۰/۹۳	۳/۵۱	۰/۹۴	
۱۰/۶	۳/۳	۳۶	۱۳/۳	۲۳/۳	۳۴	۱۶/۶	۳۳/۳	۱۳/۳	۱۷/۳	احیای جنگل‌ها و جلوگیری از بیابان‌زایی	۱۴	۲/۴۹	۰/۹۲	۳/۱۴	۱/۲۲	
۱۶	۲/۶	۴۴	۱۴	۲۹/۳	۵۰	۶/۶	۲۶/۶	۴	۶/۶	همکاری با شورای اسلامی ده و دهستان در زمینه‌های مختلف	۱۵	۲/۸۵	۰/۸۳	۳/۶۵	۰/۹۲	
۲۱/۶	۲	۳۹/۳	۱۳/۳	۲۶/۶	۴۴/۶	۹/۳	۲۸	۴	۱۲	ارائه انواع خدمات فنی کشاورزی	۱۶	۲/۷۴	۰/۸۶	۳/۶۴	۱/۰۴	
۱۹/۳	۲/۶	۴۶	۲۱/۳	۲۰	۳۰	۱۰	۳۸	۴/۶	۸	معرفی و عرضه بذور / نهال مناسب به بهره‌برداران	۱۷	۲/۷۸	۰/۹۶	۳/۷۳	۰/۹۹	
۲۴	۳/۳	۳۶	۱۷/۳	۲۱/۳	۴۰	۱۵/۳	۳۰/۶	۳/۳	۸/۶	تشویق کشاورزان به الگوی کشت مناسب	۱۸	۲/۸۴	۰/۹۱	۳/۶۶	۱/۰۶	
۲۷/۳	۲	۳۸/۶	۱۸	۲۳	۴۲/۶	۹/۳	۲۴	۱/۳	۱۳/۳	شناسایی و کنترل آفات و بیماری‌های گیاهی	۱۹	۲/۸۱	۰/۹۲	۳/۸۵	۰/۹۴	
۲۲/۶	۴/۶	۴۲/۶	۱۵/۳	۲۵/۳	۴۰/۶	۴/۶	۳۲/۶	۴/۶	۶/۶	کاهش هزینه‌های تولید محصول کشاورزی (کارگری، نهاده‌ها)	۲۰	۲/۸۴	۰/۹۳	۳/۷۹	۰/۹۵	
۲۲/۶	۳/۳	۴۰/۶	۱۴/۶	۲۱/۳	۴۶	۷/۳	۲۶	۸	۱۰	افزایش تولید و عملکرد محصول کشاورزی	۲۱	۲/۸۳	۰/۹۳	۳/۶۹	۱/۰۹	
۲۶	۱/۳	۳۶	۱۵/۳	۲۵/۳	۴۰	۸	۳۰	۴/۶	۱۳/۳	افزایش درآمد کشاورزان از محل کشاورزی	۲۲	۲/۶۶	۰/۹۲	۳/۷۵	۱/۰۸	
۳۰	۰/۶	۳۳/۳	۲۰	۲۶/۶	۴۲/۶	۶/۶	۲۶/۶	۲/۶	۱۰	معرفی و به‌کارگیری تکنولوژی و سیستم‌های جدید کشاورزی	۲۳	۲/۸۲	۰/۸۶	۳/۸۸	۰/۹۹	
۲۴	۲	۳۹/۳	۱۶	۲۲/۶	۴۱/۳	۸/۶	۲۷/۳	۵/۳	۱۳/۳	افزایش بهره‌وری زمین‌های کشاورزی	۲۴	۲/۷۴	۰/۹۲	۳/۷۲	۱/۰۷	
۲۱/۳	۴	۴۰	۱۹/۳	۲۴	۳۱/۳	۱۰/۶	۳۴/۶	۴	۱۲	دسترسی به موقع بهره‌برداران به نهاده‌های کشاورزی	۲۵	۲/۶۲	۰/۹۳	۳/۶۵	۱/۰۳	

به منظور بررسی وضعیت کلی اثربخشی طرح، با استفاده از روش «فاصله انحراف معیار از میانگین»، بهره‌برداران بر اساس دیدگاهشان نسبت به اثربخشی طرح به سه گروه، تقسیم می‌شوند (جدول ۶). تنها حدود ۴/۷ درصد از بهره‌برداران میزان موفقیت طرح‌های کشاورزی قبل از اجرای طرح پهنه‌بندی را «زیاد» می‌دانسته‌اند حال اینکه این مقدار پس از اجرای طرح به ۵۳/۴ درصد افزایش یافته است. به عبارتی بیش از نیمی از بهره‌بردار موفقیت طرح مذکور را در حد «زیاد» ذکر کرده‌اند. همچنین حدود ۳۳/۳ درصد از آنان، موفقیت طرح مذکور را حد متوسط و تنها ۱۳/۳ درصد موفقیت اجرای طرح و رسیدن به اهداف را در حد کم دانسته‌اند.

جدول ۶- موفقیت برنامه‌های کشاورزی قبل و بعد از طرح پهنه‌بندی

بعد از طرح پهنه‌بندی			قبل از طرح پهنه‌بندی			
درصد تجمعی	درصد	فراوانی	میزان موفقیت	فراوانی	درصد	درصد تجمع
۱۳/۳	۱۳/۳	۲۰	کم	۶۰	۴۰	۴۰
۴۶/۶	۳۳/۳	۵۰	متوسط	۸۳	۵۵/۳	۹۵/۳
۱۰۰	۵۳/۴	۸۰	زیاد	۷	۴/۷	۱۰۰
	۱۰۰	۱۵۰	جمع	۱۵۰	۱۰۰	

به منظور برآورد تأثیر جمعی و علی این عوامل بر متغیر وابسته اثربخشی، از رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شد. در رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام، متغیری که بیشترین همبستگی با متغیر وابسته دارد ابتدا وارد معادله می‌شود. مقدار و معناداری آزمون F (F=6.641, Sig.=0.000) معنی‌دار بودن کل رگرسیون و برازش مدل رگرسیونی را تأیید کرده است. در اولین گام متغیر میزان آشنایی کارشناس با آداب و رسوم بهره‌برداران وارد معادله گردید که مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر ۰/۵۷۸ به دست آمد (جدول شماره ۷). با توجه به میزان R² تعدیل شده، این متغیر می‌تواند حدود ۳۳ درصد از میزان اثربخشی طرح را تبیین کند. در گام دوم، متغیر شرکت در کلاس‌های آموزشی-ترویجی در ارتباط با این طرح، وارد معادله گردید. در گام‌های بعدی متغیرهای مشارکت بهره‌برداران در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در طرح تجربه و دانش کارشناس پهنه وارد شدند که این متغیرها ضریب همبستگی چندگانه را به ۰/۷۴۷ افزایش داد. بر اساس میزان R² تعدیل شده این متغیرها در مجموع قادرند حدود ۵۳/۳ درصد تغییرات در متغیر وابسته را پیش‌بینی نمایند.

جدول ۷- تحلیل رگرسیون به منظور تعیین تأثیر متغیرهای تحقیق بر متغیر اثربخشی

متغیرهای مستقل	R	R ²	Adj. R ²	B	SEB	Beta	t	Sig. t
ضریب ثابت (b)	-	-	-	۱/۱۵۵	۰/۲۳۳	-	۴/۹۴۶	۰/۰۰۰
(X ₁) میزان آشنایی کارشناس با آداب و رسوم بهره‌برداران	۰/۵۷۸	۰/۳۳۴	۰/۳۲۹	۰/۲۸۸	۰/۰۴۹	۰/۴۸۳	۵/۸۳۷	۰/۰۰۰
(X ₂) شرکت در کلاس‌های آموزشی-ترویجی	۰/۶۴۰	۰/۴۰۹	۰/۴۰۰	۰/۰۴۵	۰/۰۳۳	۰/۰۹۸	۱/۳۶۸	۰/۰۰۱
(X ₃) مشارکت بهره‌برداران در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در طرح	۰/۷۱۷	۰/۵۱۴	۰/۴۹۴	۰/۱۲۶	۰/۰۳۹	۰/۲۱۹	۳/۲۰۲	۰/۰۰۲
(X ₄) تجربه و دانش کارشناس پهنه	۰/۷۴۷	۰/۵۵۹	۰/۵۳۳	۰/۱۳۰	۰/۰۵۳	۰/۲۰۲	۲/۴۳۳	۰/۰۱۶

Multiple R = 0.747; R² = 0.559; Adjusted R² = 0.533; F = 6.641; Sig. = 0.000

با توجه به نتایج بدست آمده، معادله خطی اثربخشی طرح حاصل از رگرسیون به صورت زیر تخمین زده می‌شود:

$$Y = 1/0 + 1/155 X_1 + 0/045 X_2 + 0/126 X_3 + 0/130 X_4$$

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نظام ترویج کشاورزی بعنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی، قدمتی بیش از هفت دهه در کشور دارد و طی این مدت فراز و فرودهایی را تجربه کرده است. تغییر در نظام ترویج، متناسب با شرایط و مقتضیات، امری اجتناب‌ناپذیر است چرا که تغییر خردمندانه، شرط پویایی یک نظام است. آخرین تغییرات که طی کمتر از یک دهه گذشته در این حوزه شکل گرفته است، ابلاغ، استقرار و اجرایی شدن «نظام نوین ترویج کشاورزی» است. این ساختار جدید، بر سه رکن مدیریت شبکه دانش، تجهیز و ساماندهی مراکز جهاد کشاورزی دهستان و پهنه‌بندی عرصه‌های تولید استوار است. پژوهش حاضر، رکن سوم را مورد کنکاش قرار داده است و به ارزیابی اثربخشی مدیریت مزارع کشاورزی بر مبنای پهنه‌بندی دشت‌ها پرداخته است.

در این پژوهش مشخص گردید که بیش از نیمی از بهره‌برداران، آشنایی در حد متوسط و زیاد با طرح دارند. مهم‌ترین روش‌های آشنایی بهره‌برداران با طرح مدیریت مزارع بر اساس پهنه‌بندی، معتمدان محلی هستند. همچنین بیشترین میزان مشارکتشان به ترتیب در مرحله اجرای طرح و در مرحله برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری طرح و مشارکت در ارزیابی می‌باشد. نکته بسیار مهم و در عین حال از شرایط موفقیت طرح که باید مورد توجه قرار گیرد سابقه و نحوه مشارکت مردم در این طرح و طرح‌های مشابه می‌باشد، چرا که مشارکت مردم از جهات زیر حائز اهمیت است:

الف- به‌عنوان یک هدف ارزشی، بدین معنی که زیربنای یک توسعه مردمی تنها در حالی امکان‌پذیر است که مردم از برنامه‌های توسعه‌ای منطقه مطلع بوده و در مراحل مختلف آن مشارکت و نقش داشته باشند و به مشارکت اجتماعی عادت کنند، به‌طوری که مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها برای آن‌ها با ارزش شود.

ب- به‌عنوان یک وسیله مناسب بدین معنی که مشکلات مردم در اقداماتی که جهت حل مسائل واقعی آن‌ها است موجب می‌شود که آن‌ها با سرعت بیشتری در به ثمر رسیدن اقدامات کوشش نمایند و آن اقدامات را برای خود بدانند و از آن طرح‌ها مراقبت و محافظت کنند.

بررسی نظرات بهره‌برداران در مورد رضایت از عملکرد کارشناسان نیز حاکی از میزان رضایتمندی خوب و قابل‌قبول آن‌هاست. ذی‌نفعان همچنین، اجرای طرح را اثربخش و نتایج آن را مثبت دانسته‌اند.

نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیر میزان آشنایی کارشناس با آداب و رسوم بهره‌برداران، شرکت در کلاس‌های آموزشی-ترویجی در ارتباط با این طرح، مشارکت بهره‌برداران در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در طرح و تجربه و دانش کارشناس پهنه، می‌توانند ۵۳/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته (اثربخشی طرح) را تبیین نمایند. به توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

از آنجایی که میزان آگاهی بهره‌برداران در مورد طرح نیاز به تقویت دارد، پیشنهاد می‌شود شرایط برای اطلاع‌رسانی مراحل مختلف طرح به بهره‌برداران فراهم گردد. بنابراین چنانچه درصد اجرای موفق‌تر طرح باشیم، پیش شرط آن آگاهی‌بخشی و میزان شناخت خوب بهره‌برداران نسبت به اهداف طرح است. آگاهی از وظایف و اهداف طرح از آن جهت مهم است که موجب شناخت بیشتر بهره‌برداران می‌شود تا بتوانند با همکاری در اجرای هرچه بهتر طرح، خواسته‌های توسعه‌ای خود را برآورده نمایند و موجب سهولت در اجرای طرح شود. علاوه بر آن یافته‌ها نشان داد که کارشناسان پهنه در رتبه‌بندی انجام شده، جایگاه مناسبی را بعنوان منبع کسب اطلاعات و دانش در خصوص طرح ندارند، لذا ضروری است که اعتمادسازی در دستور کار قرار گیرد و کارشناسان بتوانند جایگاه بالایی را بعنوان یک منبع کسب اطلاعات بین بهره‌برداران پیدا نمایند.

با توجه به اینکه میزان مشارکت بهره‌برداران در فرآیند و مراحل طرح نسبتاً پائین می‌باشد و منطقه مورد مطالعه طرح به لحاظ اقلیمی و اجتماعی از آمادگی قابل توجهی برای ادامه اجرای طرح برخوردار است (که بخشی از این فضای اجتماعی مرهون فواید ملموس و آشکار این طرح برای بهره‌برداران است. همین فواید است که مردم را برای پذیرش و نگهداری از طرح متقاعد می‌سازد)، پیشنهاد می‌شود که بهره‌بردارانی که نسبت به طرح و مشارکت در آن علاقه و رغبت بیشتری نشان می‌دهند شناسایی شده و در قالب یک تشکل که خودشان مدیریت طرح را عهده‌دار شوند، توانمند گردند. از طرفی، بهره‌بردارانی که علاقه کمتری به مشارکت نشان می‌دهند با به‌کارگیری رهیافت‌های مشارکت‌ساز، به تدریج وارد این فرآیند مشارکتی شوند. علاوه بر آن بهره‌برداران در جلسات تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بخصوص در انتخاب کارشناس پهنه خود،

مورد مشورت قرار گیرند. برای اجرایی نمودن این مورد، ضرورت دارد که کارشناسان ستادی و مدیران مرتبط با طرح، با روش‌های مشارکتی و تسهیلگری آشنایی بیشتری پیدا نمایند.

با توجه به اینکه بهره‌برداران به امید سر و سامان دادن به وضعیت برنامه‌های کشاورزی هستند و این طرح را پاسخی به اساسی‌ترین نیازها و مشکلات موجود می‌دانند و با اجرای این طرح خواهان رسیدن به حداقل خواسته‌های خود هستند، اگر توقعات و انتظارات بهره‌برداران برآورده نگردد موجب یاس و ناامیدی در میان آن‌ها می‌شود. برآورده شدن توقعات و انتظارات بهره‌برداران نیازمند مدیریت و هماهنگی یکپارچه از سوی کارشناسان و بهره‌برداران است. به رسمیت شناختن و رعایت جایگاه بهره‌برداران در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای طرح، ضروری می‌باشد. لذا اصلاح روش‌ها و مفاهیم غیر صحیح که نهایتاً باعث نادیده انگاشتن بهره‌برداران در تفسیر واقعیات می‌شود، از ضروری‌ترین اقداماتی است که می‌بایست توسط کارشناسان، پژوهشگران و سیاست‌گذاران طرح در سازمان‌های مربوط انجام گیرد. این مسئله از آن جهت با اهمیت است که اگر در مراحل مختلف طرح از بهره‌برداران نظرخواهی شود تجربیات و دانسته‌های خود را در اختیار کارشناسان و مجریان طرح قرار خواهند داد. همچنین اگر بهره‌برداران احساس نمایند نظر آن‌ها برای مدیریت طرح مهم است موجبات ارتقا مشارکت‌پذیری آنان فراهم می‌شود و چنانچه احساس کند که در همه مراحل اجرای طرح به‌طور عادلانه به آن‌ها و مسائل و مشکلاتشان توجه می‌شود بیشتر در اجراء حفظ و نگهداری از طرح مشارکت می‌کنند.

نتایج نشان داد که از دیدگاه بهره‌برداران از بین عوامل مهم مؤثر در موفقیت طرح مدیریت دشت بر اساس پهنه‌های کشاورزی، تجربه و دانش کارشناس پهنه، حضور به موقع کارشناسان در مزارع و توجه کارشناس پهنه به مسائل و مشکلات بهره‌برداران به ترتیب دارای بیشترین اهمیت بوده‌اند. با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل مؤثر در ارتباط با عملکرد کارشناسان معرفی شده است، که نشانگر وجود تصویر مثبت بهره‌برداران از کارشناسان طرح و وضعیت موجود می‌باشد و به نظر می‌رسد شرایط برای تعامل هرچه بیشتر بهره‌برداران و کارشناسان فراهم باشد. لذا جهت حفظ اثربخشی ضروری است که پیوسته فاکتورهای تأثیرگذار (نتایج تحلیل رگرسیونی) همچون آشنایی با آداب و رسوم بهره‌برداران و برگزاری کلاس‌های ترویجی بیش از پیش مدنظر و توجه قرار گیرد و ارتباط و تعامل فرهنگی کارشناسان پهنه با بهره‌برداران که نقش بسزایی در اثربخشی طرح دارد، منسجم‌تر و برنامه‌ریزی شده‌تر، استمرار یابد.

با توجه به انتظارات بهره‌برداران، همچنین پیشنهاد می‌شود تدابیری اتخاذ شود که زمینه‌های گسترش فعالیت‌های طرح تسریع گردد تا بهره‌برداران بتوانند هر چه بیشتر و زودتر از مزایای طرح بهره‌مند شود و بدون نگرانی از عدم ادامه طرح همه توان خود را صرف همکاری با طرح کنند. پیشنهاد آخر اینکه از نتایج این طرح برای سایر پهنه‌هایی که شرایط مشابه دارند استفاده شود تا طرح پهنه‌بندی، اثربخش‌تر به فعالیت خود ادامه دهد.

منابع

- احمدی، ش.، و فاضل‌نیا، غ. (۱۳۹۶). ارزیابی فعالیت‌ها و کارکردهای خانه‌های ترویج روستایی (مطالعه موردی: شهرستان زابل). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۸۹-۳۷۱. DOI: 10.22059/JHGR.2017.56016
- بخشی جهرمی، آ. (۱۳۹۸). بررسی پتانسیل و شیوه خصوصی‌سازی خدمات ترویجی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی. گزارش نهایی طرح پژوهشی چاپ نشده: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- پورفاتح، ن.، سیداسحاقی، ع. ر.، و عظیمی، ن. (۱۴۰۱). نظام نوین ترویج و توسعه رسانه‌های آموزشی ترویجی. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۶۱، صص ۱۵۴-۱۴۱. DOI: 10.22092/JAEAR.2022.128419
- حاجی میررحیمی، س. د. (۱۳۹۵). بررسی سطح رضایت روستاییان دامدار از فعالیتهای آموزشی - ترویجی سازمان جهاد کشاورزی استان قم. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۷، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۰۹.
- جعفری، ن.، کرمی، ع.، و کشاورز، م. (۱۳۹۹). اثرات طرح نظام نوین ترویج کشاورزی بر ارتقای دانش و تغییر رفتار کشاورزان استان فارس. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۳۸-۲۱. DOI: 10.22034/IAEEJ.2020.243857.1551
- رضایی مقدم، ک.، و فاطمی، م. (۱۳۹۸). راهبردهای بهبود نظام نوین ترویج کشاورزی ایران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۲۵۱-۲۲۳. DOI: 10.22034/IAEEJ.2020.199832.1450

- زرافشانی، ک.، علی‌بیگی، ا. ح.، رنجبر، ز.، و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). سنجش انتظارات کشاورزان از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان اسلام‌آباد غرب). *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۸۳-۶۷.
- سلوکی، م.، و چیذری، م. (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی فعالیت‌های آموزشی-ترویجی در ارتقا سطح دانش اعضای تعاونی‌های تولیدی کشاورزی استان سمنان. *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۱۳-۱، شماره ۴، صص ۱۴-۱.
- شاه‌پسند، م.، ر.، علیپور، ح.، نعمتی، ع.، بخشی جهرمی، آ.، یعقوبی، و.، و حسین‌پور، و. (۱۴۰۰). دیدگاه مروجان نسبت به شایستگی‌های مورد نیاز در پهنه‌ی عملیاتی ترویج کشاورزی. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۵۶، صص ۹۱-۱۱۰.
- طاهری، ز.، عباسی، ع.، بیژنی، م.، و قاسمی، ج. (۱۴۰۱). راهکارهای بهبود فرآیند مدیریت دانش در نظام نوین ترویج کشاورزی (مورد مطالعه استان زنجان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۸/ ویژه نامه، صص ۶۸-۵۹.
- طهماسبی، م.، ابراهیم‌نژاد، م.، خبیری، ع.، سیداسحق، ع.، ر.، پورفاتی، ن.، نوری، ح.، بابائیان، س.، بصام، س. ج.، جعفری، ا. و پارسانیک، ش. (۱۳۹۸). عملکرد نظام نوین ترویج کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۹۷. تهران: موسسه آموزش و ترویج کشاورزی.
- علیزاده، ن.، علیپور، ح.، نیکویی، ع.، حاجی میررحیمی، د.، بخشی جهرمی، آ.، و حسن‌پور، ب. (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌ها و الزامات ترویج کشاورزی و آسیب‌شناسی وضع موجود نظام نوین ترویج کشاورزی ایران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۴، شماره ۲، صص ۳۵-۲. DOI: 20.1001.1.20081758.1397.14.2.2.9
- علیزاده، ن.، علیپور، ح.، میرترابی، م.، و موذن، ز. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحول نظام ترویج کشاورزی ایران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۳۴۵-۳۴۱. DOI: 10.22059/IJAEDR.2018.242561.668493
- عزیزی خالخیلی، ط. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی آموزش‌های شغلی کشاورزان (مورد مطالعه: آموزش تولید ورمی‌کمپوست در شهرستان پاسارگاد). *راهنمای کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۴، شماره ۷، صص ۴۷-۳۹. DOI: 10.29252/jea.4.7.39
- عزیزی، ش.، سروری، ع.، نظیفی، ح.، جهانی، ر.، و رزمجو، ا. (۱۳۹۵). نقش نظام نوین ترویج کشاورزی در توانمندسازی بخش کشاورزی در عرصه‌های تولیدی مطالعه موردی (حوزه مرکز جهاد کشاورزی انجیرلو)، ششمین کنگره ملی علوم ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی ایران ملاحظات ترویج در پایداری کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، شیراز، دانشگاه شیراز، ۵ تا ۶ آبان ۱۳۹۵.
- قاسمی، ج.، طهماسبی، م.، درجانی، ع.، امیری لاریجانی، ب.، سرافرازی، ع.، و بنی‌هاشم، ف. (۱۳۹۷). طرح نظام نوین ترویج کشاورزی: پیشینه، دستاوردها، چشمانداز آینده، هفتمین کنگره ملی علوم ترویج و آموزش کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست پایدار ایران، همدان، دانشگاه بوعلی، ۳ تا ۵ شهریور ۱۳۹۷.
- کمالی‌مقدم، ن.، احمدوند، م.، و امیری اردکانی، م. (۱۴۰۱). تبیین صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز مروجان پهنه‌های کشاورزی در شهرستان بویراحمد، *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۸۶-۷۱. DOI: 20.1001.1.20081758.1401.18.2.5.0
- معروفی، ا.، و رسولی‌آذر، س. (۱۳۹۲). نقش ترویج کشاورزی در مدیریت مؤثر مزارع کشاورزی. قابل دسترس در: <http://s1.picofile.com/file/7338666769/c.pdf.htmls>.
- مقدس فریمانی، ش.، بخشی جهرمی، آ.، علیزاده، ن.، و بذرافکن، خ. (۱۳۹۸). *آموزش و ترویج کشاورزی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی و دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- منصورفر، ک. (۱۳۹۲). *روش‌های آماری*. تهران: دانشگاه تهران.
- میرزایی، ر.، صدیقی، ح.، و فلسفی، پ. (۱۳۸۶). ارزیابی نظام ترویج کشاورزی ایران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۷-۵۷.

میرکزاده، ع. ا.، علی‌آبادی، و.، و شمس، ع. (۱۳۸۹). واکنش موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۴۷.

نوری، ح.، قاسمی، ج.، و توکلی، ع. ر. (۱۴۰۱). ارزشیابی اثربخشی پژوهشگر-مروجان ارشد در نظام نوین ترویج کشاورزی: کاربرد مدل سیپ (CIPP) *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۶۱، صص ۴۱-۶۲.
DOI: 10.22092/JAEAR.2022.359925.1909

- Alimirzaei, E., Hosseini, S. M., Hejazi, S. Y., and Movahed Mohammadi, H. (2019). Executive coherence in Iranian pluralistic agricultural extension and advisory system. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 21(3), 531-543.
- Emerton, L., and Snyder, K. A. (2018). Rethinking sustainable land management planning: Understanding the social and economic drivers of farmer decision-making in Africa. *Land Use Policy*, 79, 684-694. Doi: 10.1016/j.landusepol.2018.08.
- Ghorbanpour, A. K., Afshar, A., Hessels, T., and Duan, Z. (2022). Water and productivity accounting using WA+ framework for sustainable water resources management: Case study of northwestern Iran. *Physics and Chemistry of the Earth, Parts A/B/C*, 128, 103245. DOI: 10.1016/j.pce.2022.103245
- Leta, G., Kelboro, G., Stellmacher, T., and Hornidge, A. K. (2017). The agricultural extension system in Ethiopia: Operational setup, challenges and opportunities. ZEF working paper series, 1864-6638, Center for Development Research, University of Bonn.
- Mohammadzadeh, L., Sadighi, H., and Abbasi, E. (2017). Assessment of farmer-oriented agricultural extension intervention in Iran. *The Journal of Agricultural Education and Extension*, 23(2), 175-187. DOI: 10.1080/1389224X.2016.1242429
- Nugroho, H. Y. S. H., Indrawati, D. R., Wahyuningrum, N., Adi, R. N., Supangat, A. B., Indrajaya, Y., ... and Hani, A. (2022). Toward water, energy, and food security in rural Indonesia: A review. *Water*, 14(10), 1645. DOI: 10.3390/w14101645
- Prabhakar, I., Swetha, B. S., Ashoka, N., Ravikumar, B., and Srinivasulu, G. B. (2019). Private agriculture extension service: An intervention to strengthen public extension system. *Journal of Pharmacognosy and Phytochemistry*, 8(2), 1890-1893.
- Rezaei-Moghaddam, K., and Karami, E. (2008). Developing a green agricultural extension theory. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 3(3), 242-256. DOI: 10.2495/SDP-V3-N3-242-256
- Wolka, K., Biazin, B., Martinsen, V., and Mulder, J. (2021). Soil and water conservation management on hill slopes in southwest Ethiopia. II. Modeling effects of soil bunds on surface runoff and maize yield using AquaCrop. *Journal of Environmental Management*, 296, 113187. DOI: 10.1016/j.scitotenv.2020.142877
- Zhao, Y. (2017). Demand-oriented agricultural extension mechanism based on system dynamics. *Management & Engineering*, 28, 12-20. DOI: 10.5503/J.ME.2017.28.002

Article Type: Research Article

DOR: [20.1001.1.20081758.1402.19.1.3.3](https://doi.org/10.1001.1.20081758.1402.19.1.3.3)

Effectiveness Appraising of Agricultural Farms Management Based on Plains Parceling: The Case of Pasargad County

A. Bakhshi-Jahromi^{1*}

(Received: Nov. 23. 2022; Accepted: Feb. 27. 2023)

Abstract

Continuous evaluation and monitoring is a way of measuring project progress. The purpose of this study was to appraise and monitor the plain management project based on agricultural parcels in the Kamin plain of Pasargad County, Iran. This descriptive-analytical research was based on survey technique. The statistical population of the study consisted of Pasargad plain's farmers; out of them, 150 farmers sampled using Cochran formula. Data was collected using a researcher-made questionnaire. The validity of the questionnaire was confirmed by a panel of experts and the reliability of the variables was calculated and confirmed by Cronbach's alpha coefficient (0.71 to 0.81). Descriptive and inferential statistics were used to analyze the data. The research findings showed that more than 54 % of the farmers have moderate and high familiarity with the plain parcel-based management Project. According to findings, local trusted farmers were the most important reference to familiarize farmers with the project. Furthermore, the results of the survey showed that although the total participation index was low, the highest participation rate belonged to the stage of project implementation. The results of the research also showed that overall satisfaction of farmers with parcel-based management Project is high. The most important finding of the research revealed that farmers have assessed the project to be effective. Informing the farmers about the tasks and objectives of the project, providing confidence to the experts, developing empowerment programs, and recognizing and respecting the position of the farmers in the decision-making and implementation process are some of the most significant practical recommendations.

Key words: Agricultural parcels, Effectiveness, Appraisal, New agricultural extension system.

¹ Assistant Professor, Socio-economic and Agricultural Extension Research Department, Fars Agricultural and Natural Resources Research and Education Center, AREEO, Shiraz, Iran.

* Corresponding Author, Email: armanbakhshi@yahoo.com

